

## روستاهای آغازین و استقرارهای پیش از تاریخی کهن

### در حوضه آبریز ابهر رود، شرق استان زنجان

شکوه خسروی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

دکتر حمید خطیب شهیدی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

دکتر حامد وحدتی نسب

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

سجاد علی بیگی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران

ابوالفضل عالی

سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان

(از ص ۱۳۱ تا ۱۵۴)

تاریخ دریافت: ۸۹/۰۵/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۹/۲۳

#### چکیده

حوضه آبریز رودخانه ابهر، منطقه‌ای مهم در مطالعات باستان‌شناسی حاشیه شمال غربی فلات مرکزی، غرب و شمال غربی ایران به شمار می‌رود. مطالعه و شناخت این منطقه، با توجه به قابلیت‌های زیست محیطی و موقعیت جغرافیایی‌اش، در درک روابط منطقه‌ای و برهم‌کنش‌های فرامنطقه‌ای میان مناطق جغرافیایی - فرهنگی یاد شده، بسیار مهم و درخور توجه است. با این وجود، تاکنون توجه چندانی به مطالعات باستان‌شناسی منطقه نشده و دانش ما از وضعیت استقرارهای کهن و ماهیت استقرارهای آن بسیار اندک و ناقص است. بررسی باستان‌شناختی حوضه آبریز ابهر رود، در دو فصل در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴ به انجام رسید. در این بررسی، ۲۵۷ محوطه و اثر باستانی، از دوره پارینه سنگی قدیم تا دوره معاصر شناسایی و مورد مطالعه مقدماتی قرار گرفت. از این تعداد، ۳۴ محوطه با بقایای دوران پیش از تاریخ شناسایی شد. بر اساس نتایج بررسی، بیشترین شمار استقرارها مربوط به دوره مس و سنگ و کمترین شمار آنها، مربوط به دوره پارینه‌سنگی و نوسنگی است. بیشتر محوطه‌های شناخته شده، به احتمال زیاد بقایای روستاهای پیش از تاریخی بزرگ و کوچکی است که در بخش‌های مختلف حوضه، در دشت تا ارتفاعات صعب‌العبور پراکنده‌اند. مطالعه مقدماتی یافته‌های سطحی این استقرارها، نشان دهنده ارتباطات فرهنگی نزدیکی با فرهنگ‌های پیش از تاریخی فلات مرکزی، غرب و شمال غرب ایران، در دوره نوسنگی تا عصر مفرغ متأخر است. نگارندگان در این نوشتار، به مطالعه و بررسی این استقرارها پرداخته‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** بررسی، حوضه آبریز ابهر رود، استقرار، دوران پیش از تاریخ.

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: shokouh\_khosravi@yahoo.com

## مقدمه

متأسفانه اطلاعات و دانسته‌های ما از فرهنگ‌های گذشته استان زنجان، بسیار محدود و اندک است. در مقابل توجه و تمرکز پژوهش‌های باستان‌شناختی در غرب و به ویژه جنوب غربی ایران، کمتر توجهی به آثار فرهنگی و تاریخی استان زنجان نشده است و به همین علت اطلاع و آگاهی ما، به ویژه از فرهنگ‌های پیش از تاریخ منطقه بسیار ناچیز و اندک است. با توجه به قابلیت‌های منطقه برای جذب و حضور گروه‌های مختلف انسانی در دوره‌های گوناگون و همچنین، موقعیت ویژه منطقه در میان سه حوزه فرهنگی جغرافیایی فلات مرکزی، غرب و شمال غرب ایران، لزوم مطالعه محوطه‌های باستانی و ارزیابی ویژگی‌های آن‌ها به شدت حس می‌شود. در همین راستا، برنامه بررسی و شناسایی حوزه آبریز ابهر رود، در قالب یک برنامه پژوهشی، در دو فصل، در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴، به سرپرستی ابوالفضل عالی به انجام رسید. نتایج حاصل از این پژوهش، شواهد و اطلاعات ارزشمندی از دوره‌های بسیار کهن تا به امروز در اختیار قرار داده است. نوشتار حاضر، مختصری است از آگاهی‌های باستان‌شناختی دوران پیش از تاریخ منطقه که ابتدا در آن به توصیف محوطه‌ها و یافته‌های بررسی پرداخته‌ایم.

## اهمیت و اهداف پژوهش

استان زنجان و به خصوص بخش‌های شرقی‌تر آن، یکی از مناطق مهم جذب و حضور گروه‌های مختلف انسانی در گذشته‌های دور و نزدیک بوده است. دشت‌های حاصلخیز، رودهای دائمی، نهرها، چشمه‌ها و منابع حیوانی و گیاهی که نیازهای اصلی برای معیشتند، به طور عمده در منطقه وجود دارد و این محدوده را مستعد استقرار ساخته‌اند. با توجه به وضعیت قرارگیری دشت‌های ابهر و خرم‌دره در میان دو رشته کوه شمالی و جنوبی، این محل از دیرباز تاکنون، به صورت یک گذرگاه و مسیر مهم ارتباطی مطرح بوده است. با در نظر گرفتن این که این ناحیه، مسیر اصلی و طبیعی ارتباطات دو ناحیه فلات مرکزی و شمال غرب ایران از دوره نوسنگی تا به امروز بوده، بررسی و مطالعه وضعیت استقرارهای آن مهم و درخور توجه است. دلیل دیگری بر اهمیت این محدوده، گذشتن جاده خراسان بزرگ از جانب شرق این ناحیه است. بنابراین، اطلاع و آگاهی از الگوهای استقراری منطقه می‌تواند درک و آگاهی ما را از برهم‌کنش‌های مناطق فرهنگی - جغرافیایی یاد شده فزونی دهد.

هدف اصلی از بررسی منطقه، شناسایی مکان‌های باستانی، مطالعه الگوی پراکندگی و توزیع زمانی و مکانی استقرارهای باستانی، تهیه نقشه باستان‌شناسی منطقه و در پایان، بررسی رابطه میان استقرارها و زیست بوم منطقه بود.

## محدوده بررسی

مجموع وسعت شهرستان‌های ابهر و خرم‌دره که کل حوضه آبریز ابهر رود را شامل می‌شود، ۳۴۰۰ کیلومتر مربع است که ۲۹۹۳ کیلومتر آن مربوط به ابهر و ۴۰۷ کیلومتر مربع آن به شهرستان خرم‌دره

اختصاص دارد. در فصل اول، محدوده‌ای که حدود ۱۲۰۰ کیلومتر مربع را در بر می‌گرفت و شامل شهرستان خرم‌دره و دو دهستان ابهر رود و حومه، از شهرستان ابهر بود، مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت. در فصل دوم، بخش‌های باقی مانده شهرستان ابهر که شامل دهستان‌های صابین قلعه، سنبل آباد، سلطانیه، درسجین و دولت‌آباد بود، بررسی شد (عالی، ۱۳۸۳ الف و ب؛ عالی، ۱۳۸۵ الف و ب).

### شیوه بررسی

شیوه کار در هر دو فصل با توجه به وسعت منطقه، محدودیت‌های موجود و شناخت مقدماتی از وضعیت استقرارهای منطقه، موقعیت ویژه و استعداد بالقوه منطقه برای زندگی به صورت ترکیبی، با استفاده از ماشین و پای پیاده صورت گرفت. تا حد امکان تمامی محل‌های موجود، شامل غار و پناهگاه‌های صخره‌ای و تمامی مناطقی که مستعد استقرار بودند، به ویژه حاشیه رودها، نهرها و چشمه‌ها؛ همچنین دره‌ها، کوهپایه‌ها و بستر خشک شده رودخانه‌ها و مسیر سیلاب فصلی، به صورت دقیق و قدم به قدم بررسی شد. برای داشتن دید روشن‌تر از وضعیت منطقه، از نقشه‌های ۱:۵۰۰۰۰ استفاده و برای ثبت مختصات جغرافیایی محوطه‌ها نیز از دستگاه موقعیت‌یاب استفاده شد. از کمک و راهنمایی‌های مردم محلی نیز برای اطلاع یافتن از وجود محل‌های باستانی بهره برده و به تمام محل‌هایی که روستاییان و شبانان از وجود معدود تکه‌های سفال، سخن می‌گفتند مراجعه شد تا شک و تردید کمتری در مورد وجود آثار سطحی که از چشم ما دور مانده بود، باقی بماند.

پس از شناسایی محوطه‌های باستانی، بررسی آن به صورت پیمایش فشرده تمام قسمت‌ها و نمونه‌برداری، به روش اتفاقی صورت گرفت. در ضمن برای توضیح و ثبت اطلاعات اولیه، فرمی تهیه شده بود که اطلاعات جغرافیایی، ابعاد و اندازه محوطه، اطلاعات خود محوطه (وضعیت قرارگیری، میزان دستکاری‌های انسانی و ...) و میزان و محل پراکندگی مواد فرهنگی، ثبت و در آخر نیز کروکی محل ترسیم و ضمیمه اطلاعات محوطه باستانی شد.

### پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناسی

از زمان آغاز فعالیت‌های باستان‌شناسی تاکنون، پژوهش‌های نه چندان زیادی در منطقه به انجام رسیده است. تقریباً بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته، حول و حوش دوره اسلامی منطقه بوده و پژوهش‌های دوره پیش از تاریخ، به کلی به دست فراموشی سپرده شده است (عالی، ۱۳۸۵ ب؛ علی بیگی و خسروی، ۱۳۸۹).

پژوهش‌های باستان‌شناسی در حوضه آبریز ابهر رود، از اوایل دهه ۱۳۵۰ شمسی، با بررسی و گمانه‌زنی در اطراف سلطانیه و مطالعه بقایای دوران اسلامی آن آغاز و کم و بیش تا امروز ادامه یافته است. هر چند تاکنون پژوهش‌های جسته و گریخته‌ای در این منطقه به انجام رسیده، اما تا همین اواخر هیچ اطلاع مستدلی از حضور فرهنگ‌های پیش از تاریخی در منطقه در دست نبود (عالی، ۱۳۸۵ ب؛ علی بیگی و خسروی، ۱۳۸۶؛ خسروی

و علی بیگی، ۱۳۸۷؛ خسروی و علی بیگی، زیر چاپ؛ خسروی و همکاران، ۱۳۸۸؛ ۱۳۸۹؛ خسروی، ۱۳۸۸، علی بیگی، ۱۳۸۸؛ معصومی، ۱۳۸۷؛ علی بیگی و خسروی، ۲۰۱۰ و علی بیگی و همکاران، ۲۰۰۹

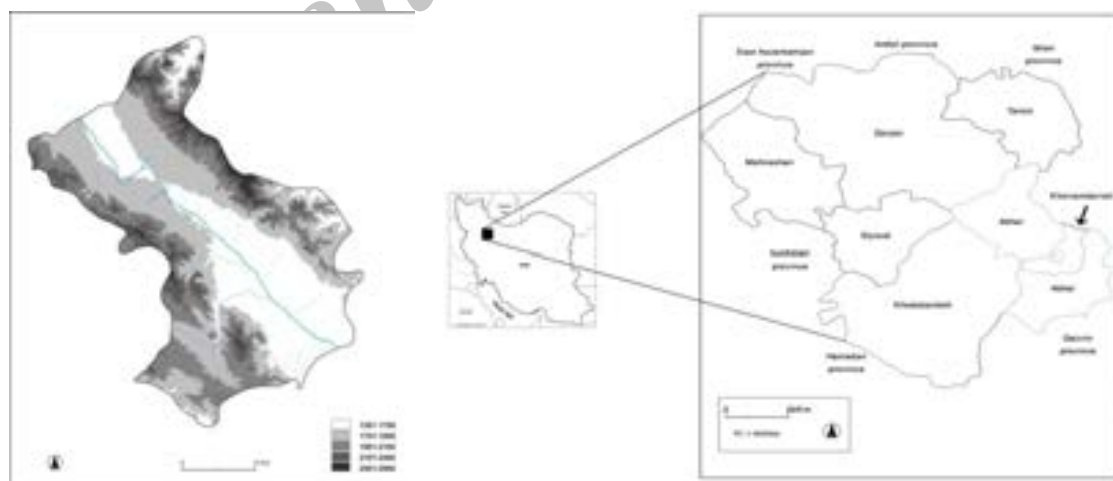
قلعه تپه ابهر، تپه نور و تپه خالصه، تنها محوطه‌های پیش از تاریخی منطقه‌اند که تاکنون مورد گمانه‌زنی و کاوش قرار گرفته‌اند. قلعه تپه، تاکنون دو بار گمانه‌زنی شده و بقایای دوره مفرغ تا دوره اسلامی میانی از آن گزارش شده است (میرفتاح، ۱۳۷۳؛ عسگریان، ۱۳۸۰). نهشته‌های دوره پیش از تاریخ تپه نور نیز در تابستان سال ۱۳۸۱، توسط پروین کاظم پورعصمتی، زیر نظر پروژه باستان‌شناسی سلطانیه، به سرپرستی دکتر علی اصغر میرفتاح کاوش گردید. از کاوش‌های این محوطه مهم دوره مس و سنگ اطلاعات چندانی در دست نیست (میرفتاح ۱۳۸۱). این محوطه، یک بار دیگر در سال ۱۳۸۸ و با هدف لایه‌نگاری، توسط پروین کاظم پورعصمتی مورد کاوش قرار گرفت (کاظم پورعصمتی، ۱۳۸۸). تپه خالصه، تنها استقرار دوره نوسنگی منطقه است که در تابستان ۱۳۸۸، به منظور آموزش دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، زیر نظر دکتر حمیدرضا ولی پور کاوش گردیده است (ولی پور، ۱۳۸۸). متأسفانه نتایج بیشتر بررسی‌ها و کاوش‌های پیشین دوران پیش از تاریخ این حوضه و حتی گزارش‌های مقدماتی برخی از آن‌ها تاکنون منتشر و در مواردی تدوین نشده است.

### وضعیت و موقعیت طبیعی و جغرافیایی

به منظور دستیابی به شناختی جامع از وضعیت زندگی در ادوار پیشین هر منطقه نیاز است بستر و شرایط جغرافیایی حاکم بر آن مورد توجه قرار گیرد. ابهر و خرم‌دره (حوضه آبریز ابهر رود)، از شهرستان‌های هفت‌گانه استان زنجان هستند که در شرق استان واقع شده‌اند. شهرستان ابهر از سمت جنوب و شرق به استان قزوین، از غرب به شهرستان‌های خدابنده و ایجرود و از شمال به شهرستان‌های زنجان و طارم محدود است. شهرستان خرم‌دره با ۴۰۷ کیلومتر مربع وسعت، در میان شهرستان ابهر قرار دارد. این شهرستان از شمال به طارم و از جنوب، شرق و غرب به شهرستان ابهر محدود می‌شود (نقشه ۱). شهر خرم‌دره به عنوان مرکز این شهرستان، در ۸۰ کیلومتری مرکز استان و ۹۵ کیلومتری قزوین واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریا، ۱۵۷۰ متر است (آمارهای پایه‌ای استان زنجان، ۱۳۸۴).

حوضه آبریز رودخانه ابهر رود، یکی از حوضه‌های آبریز فرعی دریاچه نمک و از زیرحوضه‌های مهم حوضه آبریز فلات مرکزی ایران به شمار می‌رود. حوضه آبریز این رودخانه که شامل دشت‌ها و دره‌های شهرستان‌های ابهر و خرم‌دره است، در  $48^{\circ}$  تا  $49^{\circ}$  طول شرقی و  $36^{\circ}$  تا  $35^{\circ}$  عرض شمالی در امتداد شرق به غرب و در شرق استان زنجان واقع شده و از طرف شمال به حوضه آبریز قزل اوزن، از جنوب به حوضه آبریز خر رود و از غرب به زنجان رود محدود می‌شود. به طور کلی این حوضه، در برگیرنده منطقه‌ای مرتفع و کوهستانی است که در غرب رشته کوه البرز و در دامنه‌های جنوبی آن، میان دو رشته کوه مرتفع با جهتی شرقی - غربی قرار گرفته است (نقشه ۲). از حدود ۲۳۰۰ کیلومتر مربع وسعت حوضه، حدود ۹۰۰ کیلومتر مربع آن را دشت و بقیه را مناطق کوهستانی تشکیل می‌دهد. حوضه آبریز ابهر رود، به طور کلی منطقه‌ای

کوهستانی است که کوه‌های آن به صورت دو رشته موازی، به دنبال کوه‌های زنجان از قافلانکوه، با جهت شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده است و تا دشت قزوین (تاکستان) ادامه دارد. ارتفاعات شهرستان ابهر و خرم‌دره که از شمال با رشته کوه البرز و از جنوب و جنوب غربی با رشته کوه زاگرس همجوار است، با دریافت برف و بارش باران و ایجاد شاخه‌های متعدد ابهر رود که رسوبات فراوانی را در دره ته نشین می‌کند، زمین‌های حاصلخیزی را برای کشاورزی ایجاد می‌کند. پوشش گیاهی ارتفاعات و دامنه‌ها، زندگی شبانی را شکل می‌دهد. حاصل این امر، ایجاد مراکز تجمع انسانی و اقتصادی، از قبیل سلطانیه، صابین قلعه، هیدج، خرم‌دره، ابهر و روستاهای متعدد است (جغرافیای استان زنجان، ۱۳۷۵). مرتفع‌ترین نقطه در سطح حوضه، قله کوه سندان داغ به ارتفاع ۲۹۷۵ متر، در رشته کوه‌های شمالی حوضه و پست‌ترین نقطه آن، در محل تلاقی دو رودخانه ابهر رود و خر رود، در حدود ۱۲۵۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. پهنای دشت میان کوهی دره رودخانه ابهر رود، حداکثر به ۱۷ کیلومتر می‌رسد و سطح آن به تمامی، با آبرفت‌های کوارترنر پوشیده شده است. بیشتر رودخانه‌های این حوضه، از ارتفاعات البرز مرکزی و غربی سرچشمه می‌گیرند. رودخانه ابهررود، خود دو شاخه دایمی و فصلی دارد که یکی از حوالی چمن سلطانیه و دیگری از کوه‌های جنوب کینه‌ورس سرچشمه می‌گیرد. طول رودخانه، ۶۰ کیلومتر و مجموع طول شاخه‌های آن، ۴۰۰ کیلومتر است. آب و هوای منطقه، نیمه خشک با زمستان‌های بسیار سرد است. به علت ویژگی‌های اقلیمی، محدوده مورد مطالعه از پوشش چندانی برخوردار نیست. پوشش منطقه، استپی و عموماً به صورت بوته دیده می‌شود. به طور کلی، پوشش گیاهی در ارتفاعات پایین تر حوضه، به ندرت دیده می‌شود و در ارتفاعات بالا، از علف‌ها و بوته‌های پراکنده تشکیل یافته است. میانگین دمای سالانه در منطقه، به میزان ۱۱/۵ درجه سانتی‌گراد و میزان بارش متوسط سالانه در کل حوضه، برابر با ۴۱۲/۷ میلی متر است (باغچه کرد محله، ۱۳۸۷ الف).



نقشه ۱- موقعیت شهرستان‌های ابهر و خرم‌دره در شرق استان زنجان      نقشه ۲- موقعیت حوضه آبریز ابهر رود در میان ارتفاعات

## آثار و شواهد حاصل از بررسی

به طور کلی در نتیجه دو فصل بررسی، ۲۵۷ محوطه باستانی در بخش‌های مختلف حوزه آبریز ابهر رود شناسایی شد که به لحاظ نوع و شکل استقرارها، پراکندگی مکانی و زمانی، بسیار متنوع و قابل توجه هستند. شواهد به دست آمده از لحاظ نوع و شکل را می‌توان شامل تپه‌ها، محوطه‌ها، قلعه‌ها، شهرها، غارها، حمام‌ها، تأسیسات آبرسانی، امامزاده‌ها، حسینیه‌ها و نشانگاه‌ها دانست.

## محوطه‌های دوره پیش از تاریخ

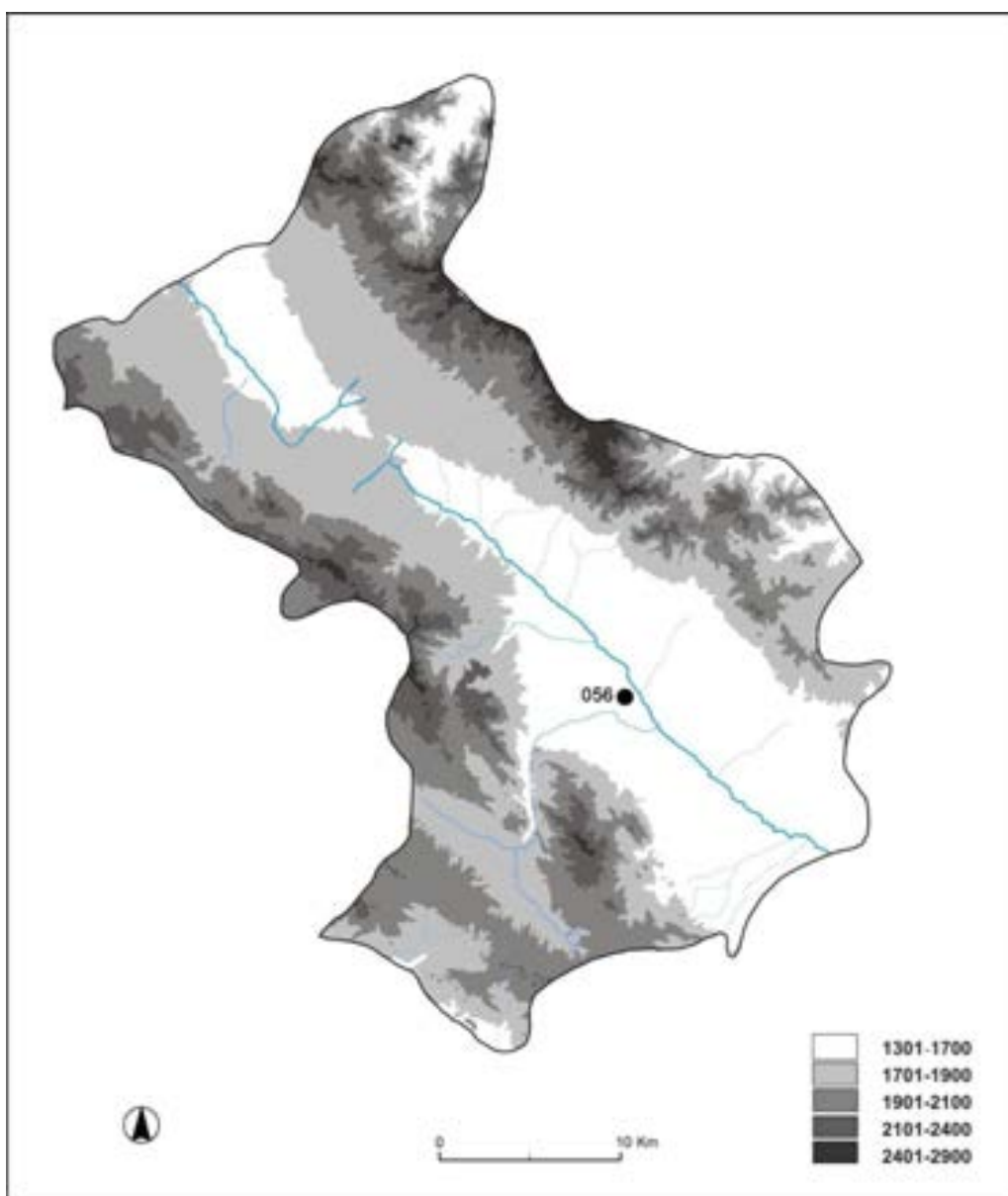
در دو فصل بررسی در منطقه‌ای به وسعت ۳۴۰۰ کیلومتر مربع، ۳۴ محوطه پیش از تاریخی از دوره پارینه‌سنگی قدیم تا دوره مفرغ جدید شناسایی و ثبت شد. از ۲۵۷ محوطه و اثر باستانی در حوزه آبریز ابهر رود، یک محوطه مربوط به دوره پارینه‌سنگی، یک محوطه مربوط به دوره نوسنگی، ۲۵ محوطه از دوره مس و سنگ و ۷ محوطه، به احتمال زیاد مربوط به دوره مفرغ است. محوطه‌های شناسایی شده از دوره پیش از تاریخ، شامل تپه‌ها و محوطه‌هاست و بررسی در چند غار و پناهگاه صخره‌ای، هیچ مدرکی در رابطه با استقرار دوره پیش از تاریخ در اختیار قرار نداد.

## دوره پارینه‌سنگی و نو سنگی

کهن‌ترین شواهد حضور انسان در حوضه آبریز ابهر رود، مربوط به دوره پارینه‌سنگی قدیم است (علی بیگی، ۱۳۸۸؛ علی بیگی و همکاران، ۲۰۱۰؛ علی بیگی و همکاران، زیر چاپ). از این دوره و همچنین دوره نوسنگی، تنها یک محوطه در نزدیکی شهر خرم‌دره (تپه خالصه) شناسایی گردید (نقشه ۳). تپه خالصه، بقایای استقرار بسیار کوچکی است که در میان باغات جنوب خرم‌دره و در تراس یک رودخانه خشک و قدیمی قرار گرفته است. بیشتر بقایای سطحی خالصه، مربوط به دوره نوسنگی است. در بررسی فصل اول و به علاوه در چند بازدید از محوطه در سال‌های ۸۵-۱۳۸۲، مجموعه‌ای از ابزارهای سنگی، شامل تعدادی ساطور، سنگ مادر، کوبنده و تراشه در میان لایه‌های به هم ریخته و در محلی در حدود ۲/۵ متر پایین‌تر از سطح زمین‌های کنونی اطراف به دست آمد که به احتمال فراوان، مربوط به دوره پارینه‌سنگی قدیم است (علی بیگی و همکاران، ۲۰۱۰؛ علی بیگی و خسروی، ۲۰۰۹).

سفال‌های دوره نوسنگی منطقه، شامل سفال‌هایی با خمیره نخودی تا قرمز، با پوشش گلی غلیظ در طیف‌هایی از رنگ نارنجی، کرم، نخودی و قهوه‌ای است. بیشتر سفال‌ها خشن و پوکند و دارای آمیزه فراوان کاه هستند. تمامی سفال‌ها دست‌سازند و در حرارت‌های متفاوت پخته شده‌اند. برخی از سفال‌های این دوره، با استفاده از تکنیک سبدي و تعدادی دیگر، با استفاده از تکنیک ورقه‌ای ساخته شده‌اند. هر چند تعدادی از سفال‌ها در حرارت مناسب پخته شده‌اند، اما سطح تعداد زیادی از سفال‌ها، به علت پخت در کوره باز چند رنگ شده است. بیشتر ظروف دهانه باز دارند؛ با این وجود تعدادی سفال با دهانه بسته نیز در میان سفال‌های این دوره دیده می‌شود. ظروف با دهانه چهارگوش، نمونه‌های جالب توجهند. از این نوع ظروف می‌توان به کاسه‌ها و

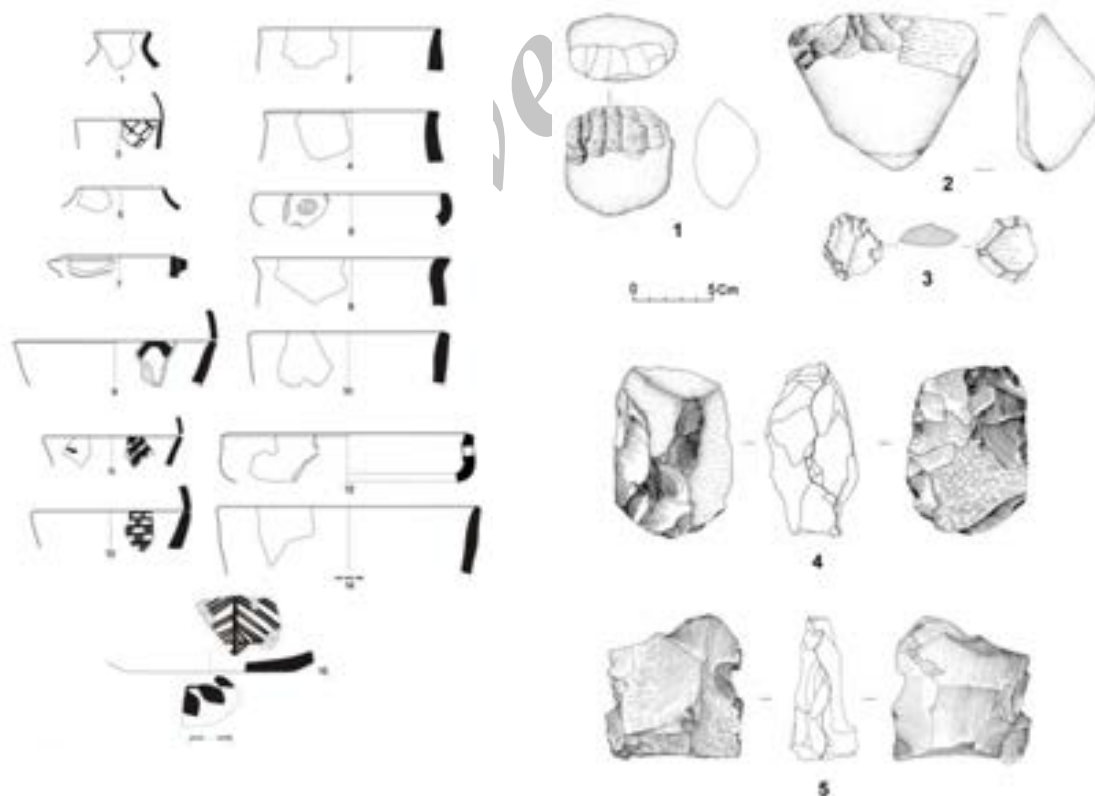
کوزه‌های کوچک اشاره کرد. برخی از سفال‌ها، دارای تزیینات نقاشی به رنگ قرمز، سیاه و قهوه‌ای تیره با طرح‌های هندسی و گیاهی هستند. این نقوش، ساده و شامل طرح‌های جناقی، مثلث‌های هاشور خورده، نقوش نردبانی و نقوش گیاهی چون خوشه‌های گندم و گل‌های چند پر است. این تزیینات در هر دو سطح درونی و بیرونی ظرف و بیشتر در بخش بالایی ظروف، به ویژه نزدیک لبه و یا کف ظروف ایجاد گردیده است. بیشتر ظروف زاویه‌ای تند در نزدیک شانه و لبه ظرف دارند. فرم بیشتر ظروف، ساده و شامل کاسه‌های بزرگ و کوچک، کوزه‌ها، سبوها، خمره‌ها و ظروف بزرگ با لبه برگشته به داخل است. برخی از ظروف، دسته‌های سبیدی، به صورت استوانه‌های تو پر دارند (تصویر ۲ و شکل ۲).



نقشه ۳- موقعیت خالصه، محوطه دوره پارینه سنگی و نو سنگی در حوضه رودخانه  
ابهرود (علی بیگی و همکاران، ۲۰۱۰)



تصویر ۱- مجموعه ابزارهای دوره پارینه سنگی قدیم، محوطه خالصه



شکل ۲- نمونه‌هایی از سفال‌های دوره نوسنگی تپه خالصه

شکل ۱- نمونه‌ای از مصنوعات دوره پارینه‌سنگی قدیم محوطه خالصه



مطالعه چندین استقرار کهن پیش از تاریخی، در حوضه آبریز ابهر رود نشان می‌دهد که به احتمال فراوان تپه باستانی خالصه، نخستین و کهن‌ترین استقرار دایمی شناخته شده در منطقه است (علی بیگی و خسروی، ۱۳۸۶).



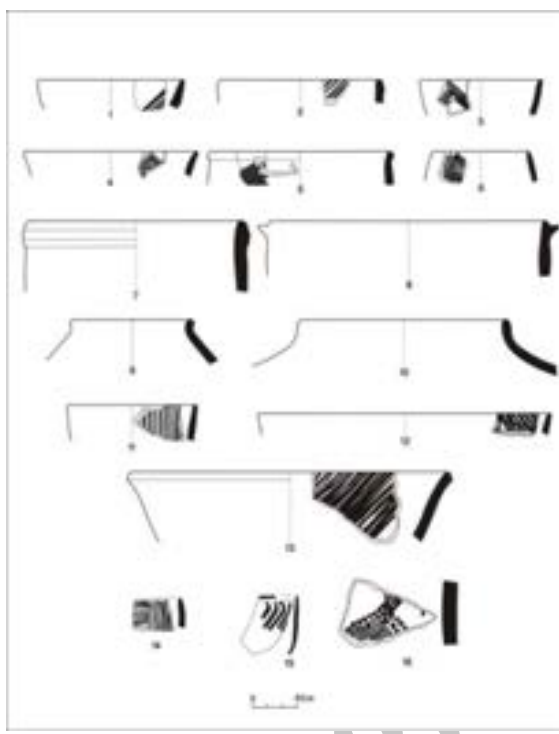
تصویر ۲- سفال‌های دوره نو سنگی تپه خالصه (علی بیگی و خسروی، ۲۰۰۹)

### دوره مس و سنگ

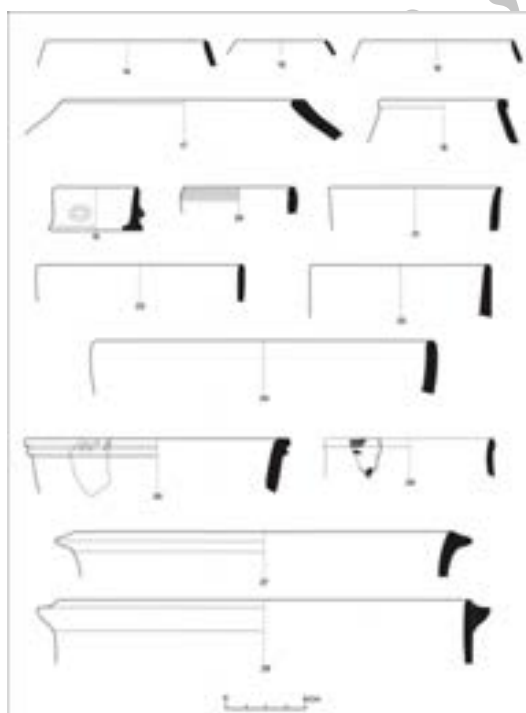
با توجه به انجام نشدن کاوش‌های اصولی و هدفمند در یک محوطه پیش از تاریخی در حوضه آبریز ابهر رود و نداشتن اطلاعات، لایه‌نگاری، تفکیک و تقسیم‌بندی داخلی مراحل سه‌گانه دوره مس و سنگ در منطقه بسیار دشوار است؛ به عنوان مثال در حال حاضر ما نمی‌دانیم که سنت سفالگری دالما در این منطقه، دوره مس و سنگ قدیم را نشان می‌دهد یا میانی؟ با این حال، آگاهی‌های حاصل از کاوش در محوطه‌هایی چون تپه قبرستان (مجیدزاده، ۲۵۳۶؛ فاضلی، ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۶)، ازبکی (مجیدزاده، بی تا؛ ۱۳۸۲)، اسماعیل‌آباد (فاضلی و آجورلو، ۱۳۸۵)، تپه شیزر (ولی‌پور، ۱۳۸۵) و سه‌چای تپه (عالی، ۱۳۸۷)، اطلاعات ارزشمندی را از فرهنگ‌های دوره مس و سنگ و دوره مفرغ، در حاشیه شمال غربی فلات مرکزی و استان زنجان در اختیار قرار داده است.

از دوره مس و سنگ، ۲۵ محوطه شناسایی شد (نقشه ۴). تعداد محوطه‌های این دوره به احتمال زیاد، نشان‌دهنده افزایش شدید جمعیت و رشد شمار استقرارها، نسبت به دوره قبل است. محوطه‌های این دوره، هم در دشت و هم در مناطق کوهستانی پراکنده‌اند. از این میان، ۱۰ محوطه در ارتفاعات و دامنه‌های جنوبی حوضه ابهر، ۸ محوطه در دامنه و ارتفاعات شمالی و ۷ محوطه در میان دشت و نزدیک رودخانه ابهر رود واقع شده‌اند. مرتفع‌ترین محوطه این دوره، در ارتفاع ۲۱۵۰ متری و پست‌ترین آنها، در ارتفاع ۱۴۹۰ متری از سطح دریا واقع شده است. بر پایه مکان‌یابی محوطه‌های دوره مس و سنگ، بیشتر محوطه‌ها در نزدیکی منابع آب و در فاصله کمتر از ۲۰۰ متری آن واقع شده‌اند.

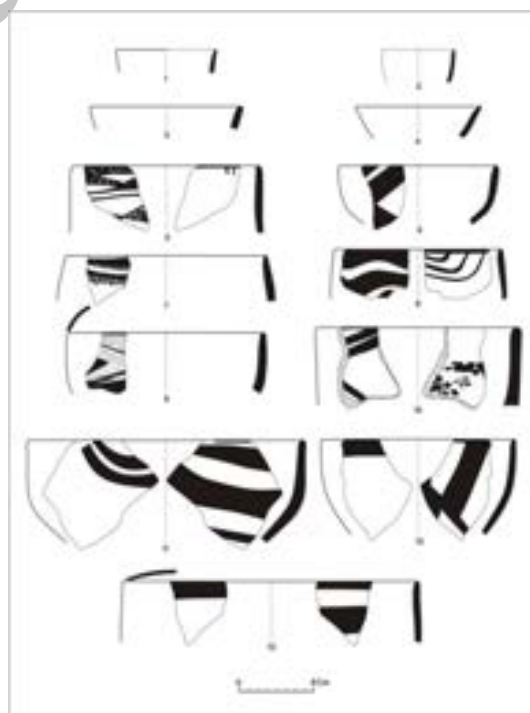
بیشتر محوطه‌های شناسایی شده این دوره، به احتمال زیاد محوطه‌های استقرار و روستاهای فصلی و یا دائمی هستند که در بیشتر نقاط حوضه پراکنده‌اند. علاوه بر محوطه‌های استقرار، یک محوطه دیگر از دوره مس و سنگ (؟)، با ویژگی‌های متفاوت شناسایی شد. محوطه موسوم به چخماق داشه که در دامنه ارتفاعات و شیب ملایم کوهپایه قرار گرفته، بر اساس مطالعه یافته‌های سطحی و ترکیب مجموعه ابزارهای سنگی پراکنده، به احتمال فراوان محلی برای تولید ابزارهای سنگی بوده است. از بررسی چخماق داشه، تعداد زیادی سنگ مادر و تراشه گردآوری شد؛ در صورتی که حتی یک تیغه یا ابزار کاربردی از این محوطه به دست نیامد. یافته‌های دوران مس و سنگ منطقه، شامل تعداد زیادی قطعه سفال، تعداد معدودی مصنوعات سنگی و یک شیء تزیینی است (تصاویر ۱۴-۳ و شکل‌های ۹-۳). سفال‌های دوره مس و سنگ منطقه، شامل سفال‌هایی با خمیره قرمز، نارنجی، خاکستری و دودزده، پوشش گلی غلیظ آلویی، قرمز غلیظ (دوره مس و سنگ قدیم؟ و میانی؟)، قرمز، خاکستری (دوره مس و سنگ میانی) و قرمز متمایل به نارنجی، خاکستری روشن (دوره مس و سنگ جدید)، آمیزه آلی و در موارد زیادی، کانی و یا ترکیبی از هر دو است. همه این سفال‌ها دست‌سازند و در حرارت اندکی پخته شده‌اند؛ به همین دلیل مغز سفال دود زده شده است. برخی از سفال‌های دوره مس و سنگ منطقه، با استفاده از نقوش هندسی نسبتاً ساده و در موارد بسیار اندکی، با نقوش حیوانی، با رنگ‌های تیره تزیین شده‌اند. فرم ظروف، بر اساس نمونه‌های گردآوری شده، تقریباً ساده و شامل کاسه‌های بزرگ و کوچک، ظروف با بدنه عمودی و لبه ساده، خمره‌ها و سیوهاست. علاوه بر این، در بررسی برخی از محوطه‌ها چون خرابه ۱، گوی سده، فلج، چخماق لوخ، قیه، کاروان‌سرا، شهربانو و بسیاری دیگر از محوطه‌ها، سفال‌های دوره مس و سنگ میانی و جدید، درست مشابه با استقرارهای هم‌افق در زاگرس مرکزی، شمال غرب و مرکز فلات به دست آمد (تصاویر ۱۴-۳ و شکل‌های ۹-۳). تقریباً نیمی از محوطه‌های این دوره، دارای سفال‌های دالمایی هستند.



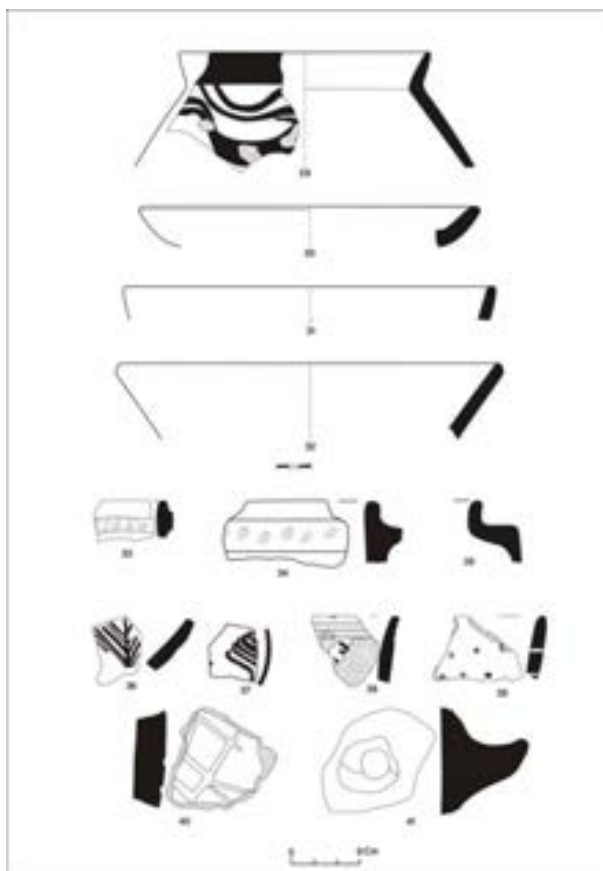
شکل ۳- سفال‌های دوره مس و سنگ قدیم و میانی



شکل ۵- سفال‌های دوره مس و سنگ قدیم و میانی



شکل ۴- سفال‌های دوره مس و سنگ قدیم و میانی



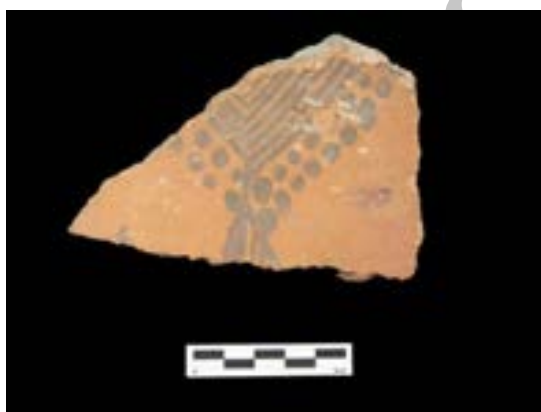
شکل ۶- سفال‌های دوره مس و سنگ قدیم و میانی



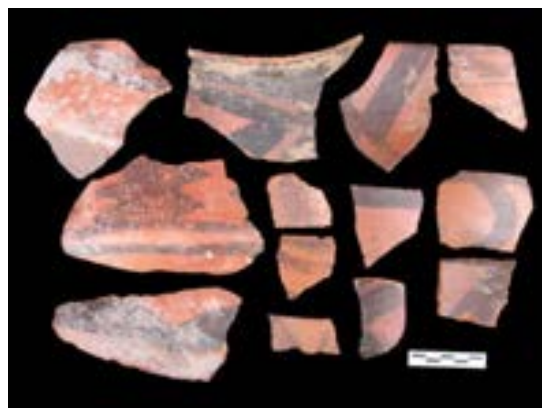
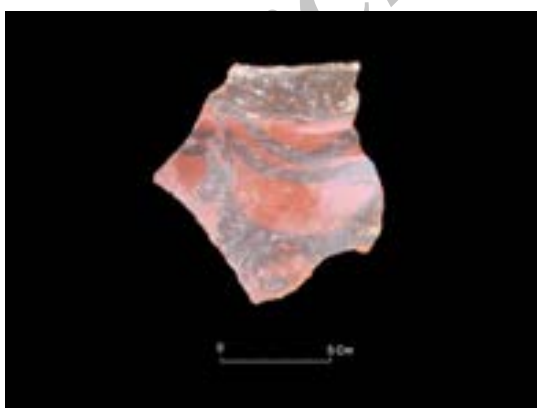
تصویر ۳- سفال‌های دوره مس و سنگ از کاوش‌های تپه نور (فرهنگ دالما)



تصویر ۴- سفال‌های دوره مس و سنگ تپه کاروان سرا (فرهنگ دالما)

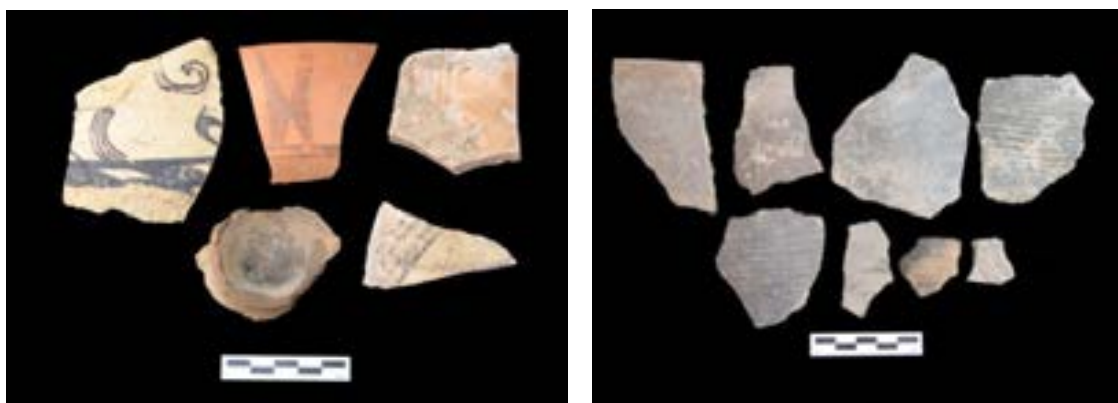


تصویر ۵- نمونه‌ای از سفال‌های آلویی دوره مس و سنگ تپه آگزیز چای (فرهنگ دالما)



تصویر ۶- سفال‌های دوره مس و سنگ قدیم - میانی (محوطه شهربانو) سمت راست

تصویر ۷- نمونه‌ای از سفال‌های منقوش دوره مس و سنگ میانی (محوطه شهربانو) سمت چپ



تصویر ۸- سفال‌های خاکستری با نقش‌کنده دوره مس و سنگ میانی تا جدید (محوطه خراسانلو) سمت راست

تصویر ۹- نمونه‌ای از سفال‌های منقوش دوره مس و سنگ جدید (محوطه گوی سده) سمت چپ

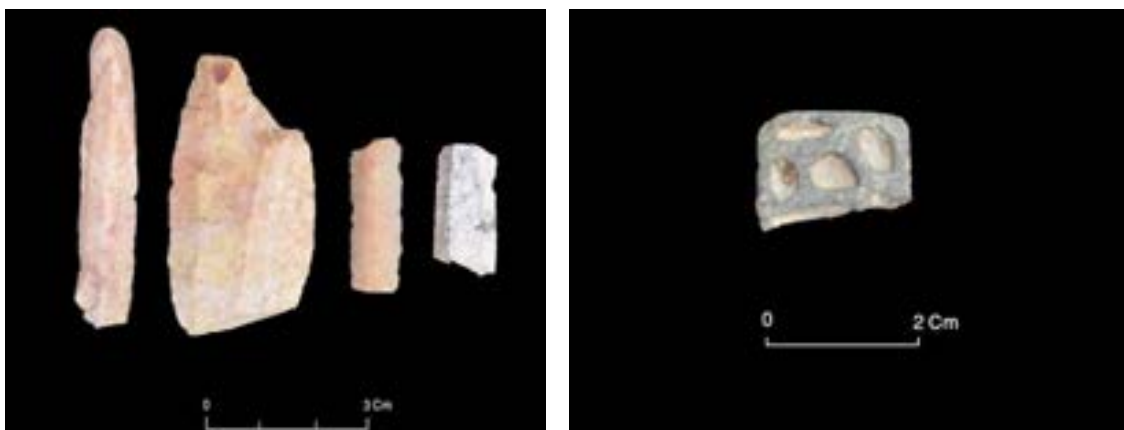


تصویر ۱۰- سفال‌های دوره مس و سنگ جدید (محوطه چخماق لوخ) سمت راست

تصویر ۱۱- نمونه‌ای از سفال‌های منقوش دوره مس و سنگ میانی (محوطه کهنه قبرستان باغ دره) سمت چپ

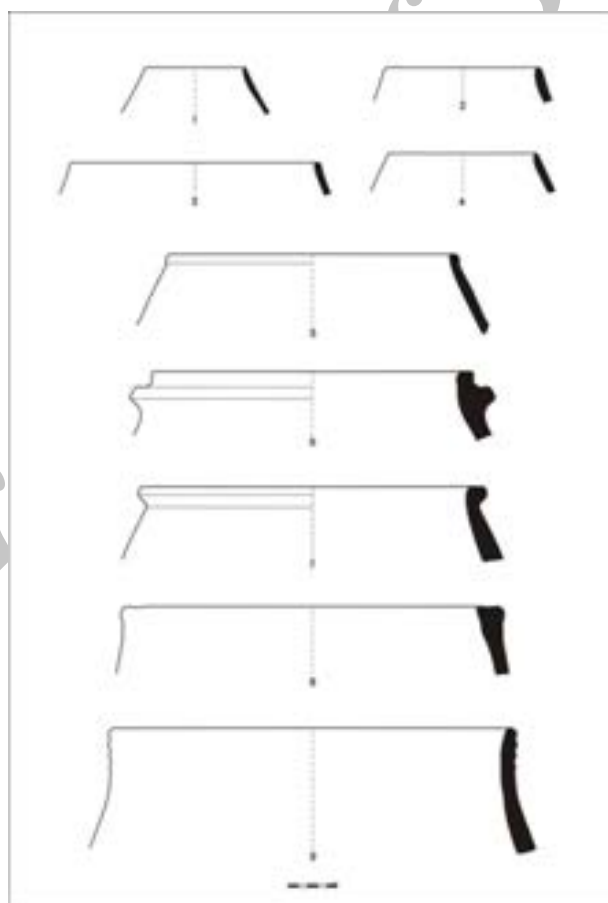


تصویر ۱۲- قطعه سفال دوره مس و سنگ جدید با اثر مهر (محوطه چخماق لوخ)

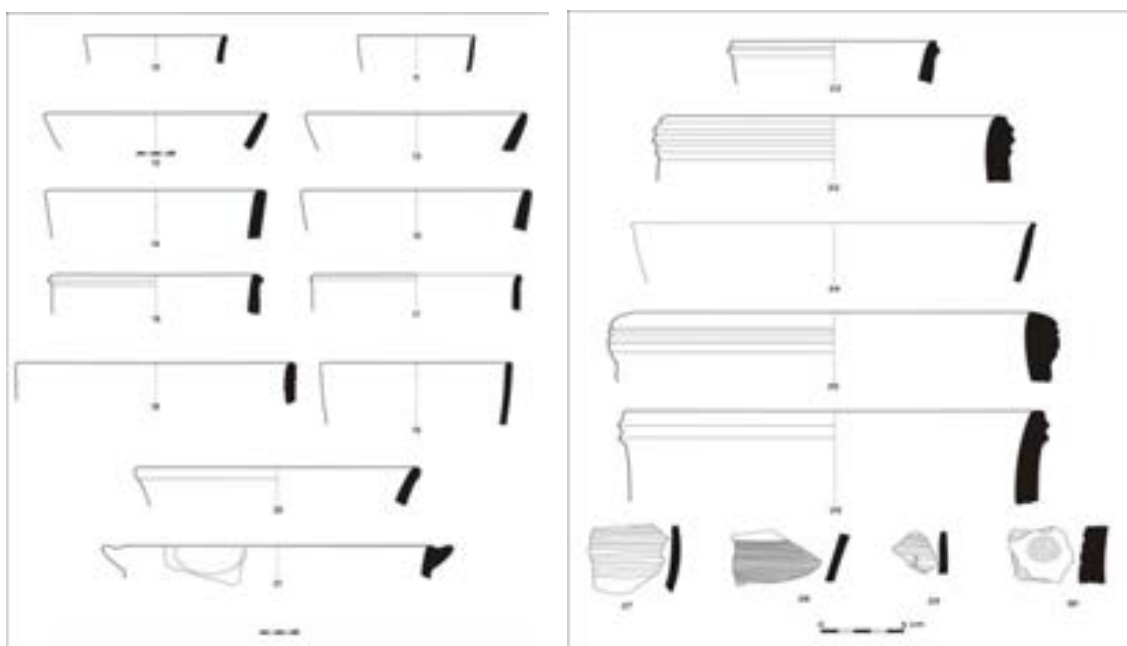


تصویر ۱۳- نمونه‌ای از اشیاء تزئینی دوره مس و سنگ میانی (تپه قلعه فلج) سمت راست

تصویر ۱۴- نمونه‌ای از مصنوعات سنگی دوره مس و سنگ (محوطه شهربانو) سمت چپ

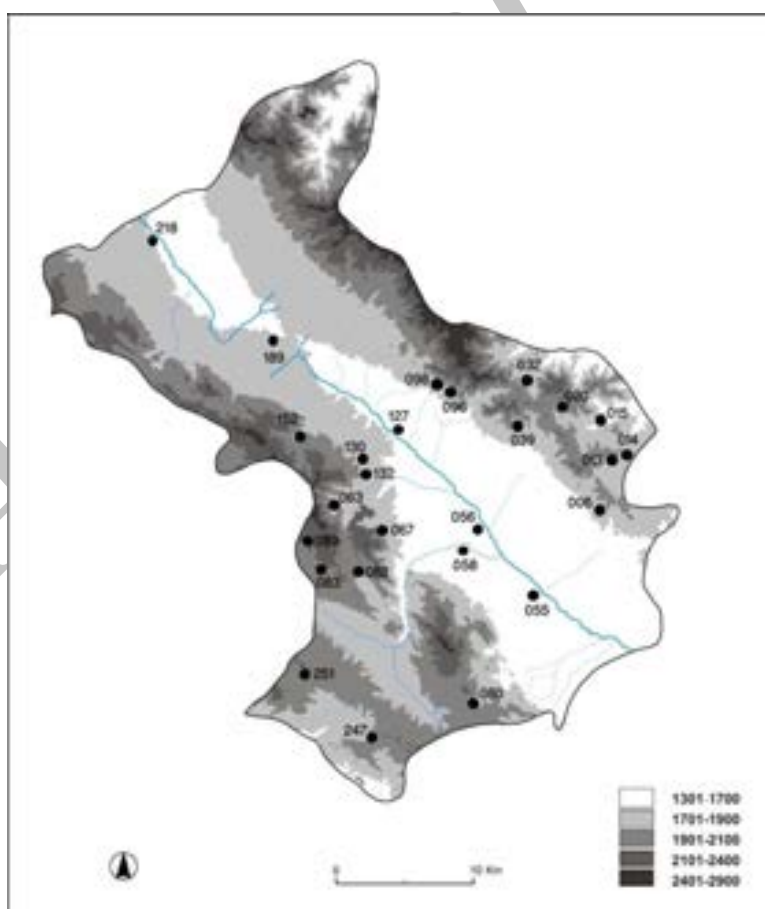


شکل ۷- سفال‌های دوره مس و سنگ جدید



شکل ۹- سفال‌های دوره مس و سنگ جدید

شکل ۸- سفال‌های دوره مس و سنگ جدید



نقشه ۴- موقعیت روستاهای دوره مس و سنگ در حوضه آبریز رودخانه ابهر رود



## دوره مفرغ

محوطه‌های مربوط به دوره مفرغ ۷ مورد است که در ۲ محوطه استقرار از دوره مس و سنگ ادامه یافته، در بقیه موارد نیز استقرارهای جدیدی شکل گرفته است. چنین تغییری، نشان‌دهنده دگرگونی نسبی الگوهای استقراری دوره مفرغ نسبت به دوره پیش است. آثار فرهنگی این دوره، عموماً به صورت تپه‌ها و محوطه‌هایی است که دارای سفال‌های خاکستری، خاکستری - سیاه و قرمز شاخص دوره مفرغ غرب و شمال غرب و مفرغ جدید فلات مرکزی است.

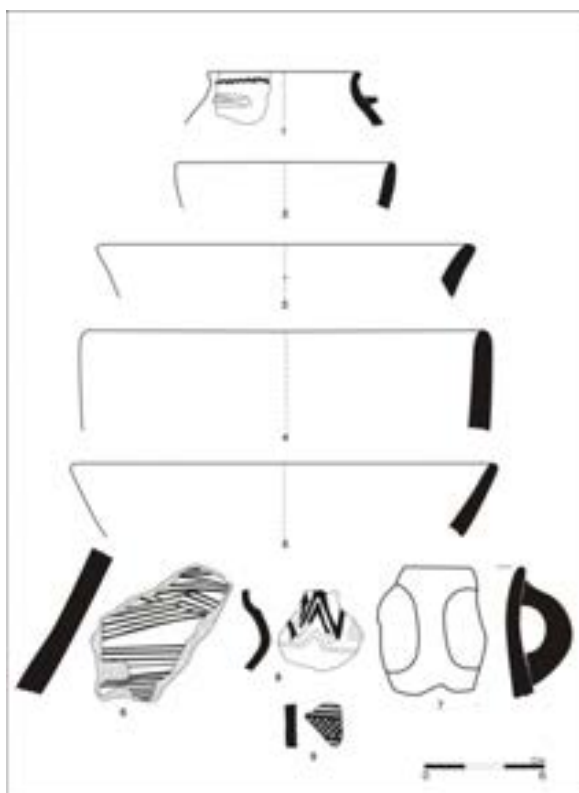
سفال‌های دوره مفرغ قدیم منطقه، شامل سفال‌هایی با خمیره و پوشش خاکستری، خاکستری - سیاه و شاموت معدنی است. تمامی این ظروف، دست‌سازند و در حرارت ناکافی پخته شده‌اند. فرم ظروف بر اساس نمونه‌های به دست آمده، شامل کاسه‌های کوچک و بزرگ و ظروف، با لبه تیز عمودی است. علاوه بر این‌ها، تعدادی سفال با خمیره و پوشش نارنجی نیز در بررسی این محوطه‌ها به دست آمد. این قطعات نیز همگی دست‌سازند و نسبتاً حشن ساخته شده‌اند (تصویر ۱۵ و شکل ۱۰).

از بررسی قلعه تپه ابهر، علاوه بر سفال‌های دوره مفرغ قدیم، سفال‌های منقوش عصر مفرغ جدید، درست مشابه سنت سفالگری عصر مفرغ جدید فلات مرکزی (سگزآباد، قلی درویش) نمونه‌هایی به دست آمده است (معصومی، ۱۳۸۷).

در دو محوطه، سفال‌های دوره مفرغ با سفال‌های دوره مس و سنگ مخلوط بودند. با توجه به ویژگی‌های کلی سفال‌های این دوره، باید محوطه‌های عصر مفرغ منطقه ابهر رود را با فرهنگ‌های شناخته شده یانیق در شمال غرب و غرب ایران پیوند داد. در بررسی در محوطه‌های عصر مفرغ منطقه، تنها از محوطه قلعه تپه ابهر سفال‌های شاخص فرهنگ یانیق به دست آمد (عسگریان، ۱۳۸۰). محوطه‌های دوره مفرغ در منطقه ابهر رود، همچون دوره مس و سنگ، هم در دشت و هم در مناطق کوهستانی پراکنده‌اند. نکته جالب توجه این که تمامی استقرارهای دوره مفرغ، در حوضه جنوبی رودخانه واقع شده‌اند و به طور کلی در این دوره، حوضه شمالی خالی از سکنه شده است. مرتفع‌ترین محوطه این دوره، در ارتفاع ۱۹۷۲ متری و پست‌ترین آن‌ها در ارتفاع ۱۴۹۷ متری از سطح دریا واقع شده است.

با توجه به شمار زیاد استقرارهای مس و سنگ حوضه، تصور می‌شد که با استقرارهای بزرگی در این دوره مواجه باشیم؛ اما کاهش شدید شمار استقرارهای دوره مفرغ، نشان از خالی شدن منطقه از جمعیت، نسبت به دوره مس و سنگ است.

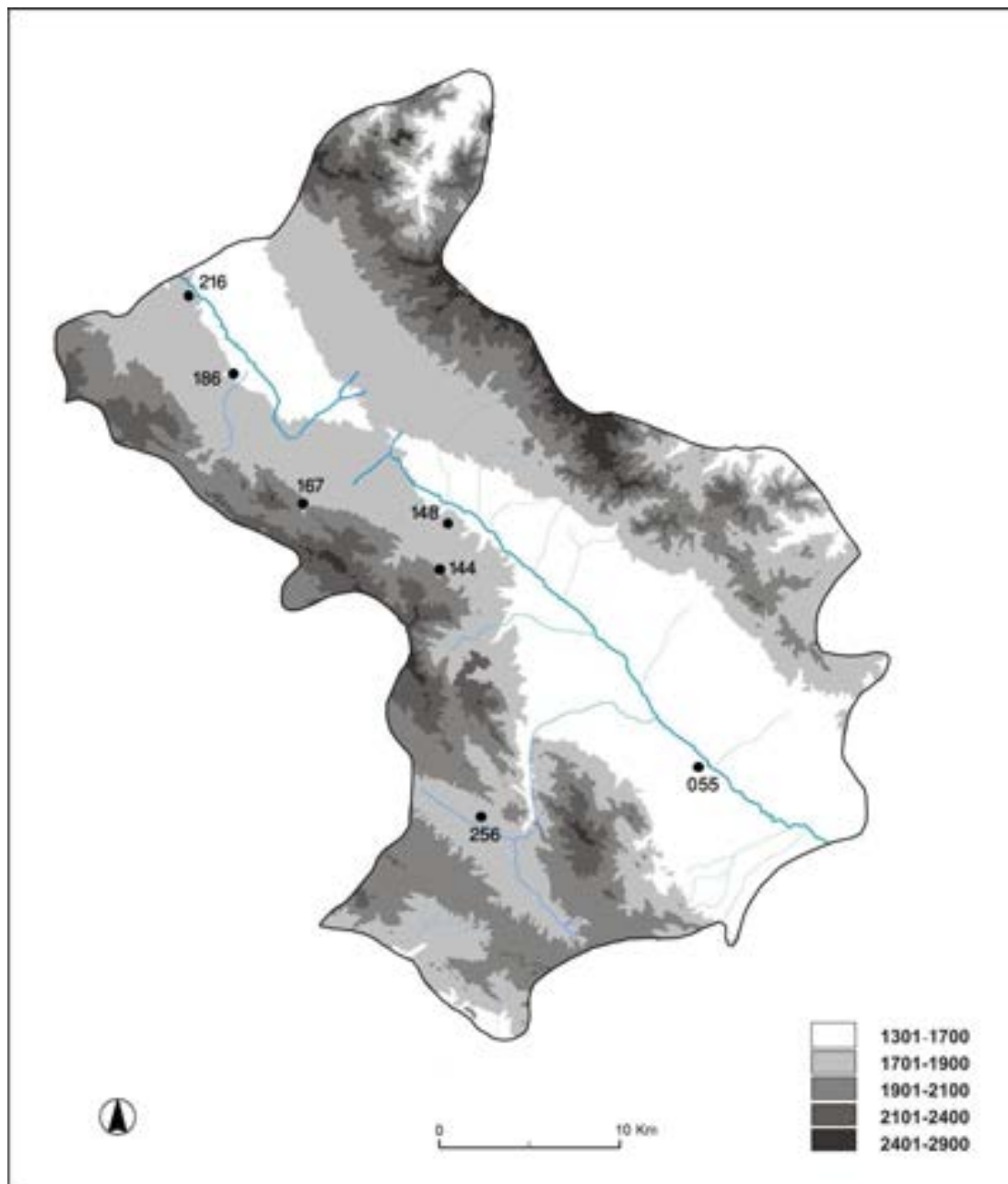
محوطه‌های دوره مفرغ منطقه، استقرارهای کوچک و کم وسعتی هستند که توالی زمانی را با دوره پیش از خود نشان نمی‌دهند و تنها در دو محوطه (قلعه تپه ابهر و تپه نور)، استمرار سکونت از دوره مس و سنگ تا دوره مفرغ دیده می‌شود. سایر استقرارها، برای نخستین بار در دوره مفرغ مسکون شده‌اند؛ اما استقرار آن‌ها در دوره‌های جدیدتر ادامه یافته است.



شکل ۱۰- سفال‌های دوره مفرغ



تصویر ۱۵- سفال‌های دوره مفرغ، (علی یورد تپه سی)



نقشه ۵- موقعیت روستاهای دوره مفرغ در حوضه آبریز ابهر رود

## سخن پایانی

در نتیجه دو فصل بررسی باستان‌شناسی در حوضه آبریز ابهررود، آگاهی‌های ارزشمندی از فرهنگ‌های ادوار مختلف، به ویژه دوره پیش از تاریخ منطقه به دست آمد. نتایج حاصل از این بررسی، شواهد مهمی از ارتباط فرهنگ‌های پیش از تاریخ منطقه، با فرهنگ‌های هم‌افق در فلات مرکزی و شمال غرب و غرب ایران، در اختیار قرار داد. متأسفانه به دلیل کمبود اطلاعات و کاوش اصولی در یک محوطه در حوضه آبریز ابهر رود تا به امروز، تاریخ‌گذاری محوطه‌های کشف شده، بر اساس مقایسه گونه‌شناختی داده‌های حاصل از بررسی با فرهنگ‌های هم‌افق در مناطق هم‌جوار استوار است. بر اساس مطالعات صورت گرفته، داده‌های حاصل از بررسی استقرارهای پیش از تاریخ، شواهدی را از دوره پارینه‌سنگی تا پایان دوره مفرغ، بر ما آشکار ساخته است.

نقشه پراکندگی استقرارها نشان می‌دهد که خالصه، تنها استقرار شناخته شده دوره نو سنگی در این حوضه، تقریباً در وسط دشت و در کرانه ابهر رود واقع شده است. با توجه به این که امروزه، بیشتر زمین‌های پیرامون ابهر رود، تبدیل به زمین‌های زراعی، باغات و جنگل شده، احتمال این که محوطه‌های دوره نو سنگی که ارتفاع و وسعت اندکی دارند، از بین رفته و به مزارع کشاورزی تبدیل شده باشد، وجود دارد. با این وجود، احتمال مدفون شدن بقایای این دوره زیر رسوبات طبیعی و یا قرار داشتن لایه‌های استقراری این دوره زیر بقایای استقرارهای دوره مس و سنگ یا ادوار جدیدتر نیز، دور از ذهن نیست.

تمامی محوطه‌های شناسایی شده دوره نو سنگی و پس از آن، به جز یک محوطه دوره مس و سنگ (چخماق داشه Ab 132)، به احتمال فراوان محوطه‌های استقراری و روستاهای کوچک و بزرگی بوده‌اند که در بخش‌های وسیعی از منطقه پراکنده بودند. به طور کلی، استقرارهای پیش از تاریخی در بیشتر نقاط حوضه آبریز ابهر رود مشاهده می‌شوند. نواحی کوهستانی بسیار مرتفع و محدوده حد فاصل رودخانه ابهر رود تا کوه‌های شمالی، از مناطقی است که در آن استقرارهای کهن به نسبت دیگر نقاط، به ندرت دیده می‌شود. به نظر می‌رسد هوای سرد و خشک بخش‌های مرتفع و سنگلاخی بودن زمین‌ها و کمبود منابع دائمی آب در منطقه، در حد فاصل ابهر رود و کوه‌های شمالی، از عوامل اصلی کمبود استقرارهاست. سکونتگاه‌های پیش از تاریخی، به ویژه در دوره مس و سنگ، در دامنه‌های کوهستان واقع شده‌اند. وجود چشمه‌های دائمی، نقش مؤثری در شکل‌گیری استقرارهای کوهپایه‌های شمالی دارند.

آنچه مسلم است، در میان عوامل مختلف در ارتباط با پراکندگی استقرارها و شکل‌گیری سکونتگاه‌ها، شرایط و عوامل جغرافیایی، نقش مهمی بر عهده داشته‌اند. محوطه‌های شناخته شده، به جز چخماق داشه (Ab 132)، احتمالاً همگی روستاهای کوچک و بزرگی بوده‌اند که در نزدیکی یک منبع آب دائمی، مثل چشمه‌ها و رودخانه‌ها قرار دارند. بسیاری از این منابع، هم اکنون دارای آب بوده و مورد استفاده قرار

می‌گیرند. تعداد معدودی از محوطه‌ها نیز در کنار نهرها و آبراهه‌های خشک شده واقع شده‌اند. همانند دوره معاصر، بخش‌هایی از منطقه که زمین‌های سنگلاخی دارند و مناطقی که منبع آب دائمی ندارند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

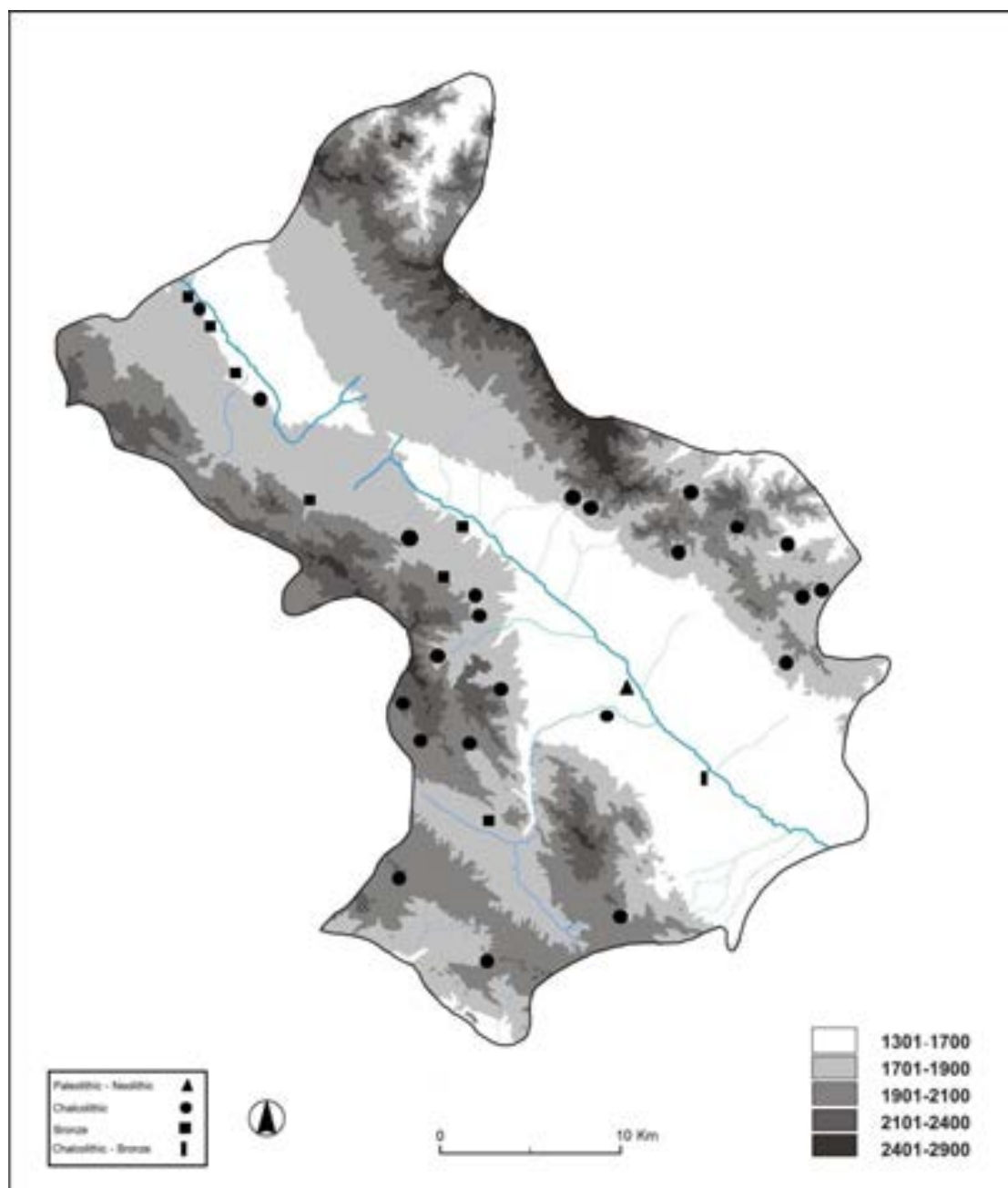
همان‌گونه که پیش از این هم آمد، محوطه‌های دوره مس و سنگ، در حوضه جنوبی ابهر رود، بیش از حوضه شمالی آن دیده می‌شوند. دلیل این امر می‌تواند به وضعیت زیست محیطی نسبتاً متفاوت حوضه شمال و جنوب ابهر رود مرتبط باشد. بیشتر این محوطه‌ها، سکونتگاه‌های کوچکی هستند که به نظر می‌رسد ساکنان آنان از طریق کشاورزی، دامداری و شکار روزگار می‌گذرانده‌اند. با توجه به این که برخی از استقرارهای این دوره، در ارتفاع بیش از ۱۷۰۰ متری قرار دارند و با توجه به سرمای شدید منطقه در فصل‌های پاییز و زمستان، به احتمال فراوان تعدادی از استقرارهای مناطق مرتفع حوضه آبریز ابهر رود، مربوط به اجتماعات کوچ‌رو بوده است.

یافته‌های سطحی، عموماً نمایانگر تأثیر فرهنگ‌های شناخته شده مناطق همجوار و ارتباط فرهنگی منطقه با فرهنگ‌های پیش از تاریخی هم‌افق در شمال غرب، غرب و مرکز فلات ایران است.

به عنوان یادآوری، ذکر این نکته ضروری است که با توجه به این که امروزه، بیشتر اراضی پیرامون ابهررود، به زمین‌های کشاورزی و باغات تبدیل شده، احتمال این که محوطه‌های دوره‌های آغازین یکجانشینی که معمولاً دارای ارتفاع و وسعت اندکی هستند از میان رفته باشند، دور از ذهن نیست. متأسفانه همچون بسیاری از مناطق ایران، بیشتر محوطه‌های باستانی این حوضه نیز در اثر فعالیت‌های انسانی و حفاری‌های غیر مجاز، از میان رفته است. بی‌توجهی به چنین تخریباتی در نتیجه‌گیری‌ها و ارایه الگوهای استقراری، می‌تواند به کاستی‌ها و خطاهای ناخواسته‌ای دامن زند. بنابراین، تدوین گاه‌نگاری‌های منطقه‌ای، الگوهای استقراری و نمودار رده - اندازه محوطه‌ها در دوره‌های گوناگون، باید با توجه به این دگرگونی‌ها صورت پذیرد.

## سپاس‌گزاری

نگارندگان، از تمامی اعضای هیات بررسی که با تلاش و پشتکار تمام، هیات را در رسیدن به اهداف پژوهشی خود یاری دادند، سپاس‌گزاری می‌نمایند. بر خود لازم می‌دانیم از فریدون بیگلری، به خاطر راهنمایی‌های ارزشمندش در خصوص مطالعه مجموعه مصنوعات سنگی حاصل از بررسی صمیمانه، سپاس‌گزاری و قدردانی نماییم. در پایان، از مجتبی چرمچیان، محراب همتی و زهرا غفاری، به سبب تمامی همکاری‌ها و همراهی‌های ارزنده‌شان تشکر می‌نماییم. همچنین از مهرداد عسگریان، به سبب در اختیار نهادن اطلاعاتی در مورد سفال‌های عصر مفرغ قلعه تپه ابهر، نهایت تشکر و قدردانی را داریم.



نقشه ۶- موقعیت محوطه‌ها و روستاهای دوران پیش از تاریخ در حوضه آبریز ابهر رود

## منابع:

### الف فارسی:

- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان زنجان (۱۳۸۳). *آمارهای پایه‌ای شهرستان‌های استان زنجان*. زنجان: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان زنجان.
- باغچه کرد محله، ع. (۱۳۷۸). *ژئومورفولوژی حوضه آبخیز ابهر رود و مدیریت محیطی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- خسروی، ش.، و علی بیگی، س. (۱۳۸۷). *استقرارهای پیش از تاریخی حوضه آبریز ابهر رود؛ حاشیه شمال غربی فلات مرکزی*. خلاصه مقالات دومین همایش باستان‌شناسی انجمن باستان‌شناسان جنوب آسیا (SOSSA)، شیراز، خرداد ۱۳۸۷.
- خسروی، ش. (۱۳۸۸). *الگوهای استقراری دوران پیش از تاریخ در حوضه آبریز ابهر رود*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- خسروی، ش.، خطیب شهیدی، ح.، وحدتی نسب، ح.، و علی بیگی، س. (۱۳۸۹). *الگوهای استقراری دوران پیش از تاریخ در حوضه آبریز ابهر رود. پیام باستان‌شناس (مجله علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)*، ۱۳، ۴۶-۲۳.
- خسروی، ش.، خطیب شهیدی، ح.، و علی بیگی، س. (۱۳۸۸). *حوضه آبریز ابهر رود در دوره مس و سنگ: مروری بر استقرارهای دالمایی در حاشیه شمال غربی مرکز فلات ایران، پیام باستان‌شناس (مجله علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)*، ۱۲، ۳۷-۵۲.
- خسروی، ش.، و علی بیگی، س. (بی‌تا). *شهربانو: شواهدی از استقرار دوره مس و سنگ در ارتفاعات شمالی حوضه آبریز ابهر رود. باستان‌شناسی ایران*، ۲، زیر چاپ.
- سازمان آموزش و پرورش استان زنجان (۱۳۷۵). *جغرافیای استان زنجان*. زنجان: سازمان آموزش و پرورش استان زنجان.
- عالی، ا. (۱۳۸۳ الف). *گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناسی حوضه آبریز ابهر رود (شهرستان‌های ابهر و خرمدره)*، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (منتشر نشده).
- عالی، ا. (۱۳۸۳ ب). *گزارش بررسی و شناسایی شهرستان خرمدره، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (منتشر نشده)*.
- عالی، ا. (۱۳۸۵ الف). *گزارش دومین فصل و شناسایی باستان‌شناسی حوضه آبریز ابهر رود (شهرستان‌های ابهر و خرمدره)*، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (منتشر نشده).
- عالی، ا. (۱۳۸۵ ب). *گزارش توصیفی مقدماتی بررسی و شناسایی باستان‌شناختی حوضه آبریز ابهر رود. پیام باستان‌شناس (مجله علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)*، ۶، ۴۲-۱۷.
- عالی، ا. (۱۳۸۷). *کاوش‌های باستان‌شناسی نجات‌بخشی پشت سد گل‌ابری زنجان، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده)*.
- علی بیگی، س.، و خسروی، ش. (۱۳۸۶). *تپه خالصه؛ کهن‌ترین استقرار پیش از تاریخی در حوضه آبریز ابهر رود. باستان‌پژوهی (نشریه هسته علمی دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه تهران)*، ۱۵، ۴۷-۳۵.
- علی بیگی، س. (۱۳۸۸). *نخستین شواهد از دوره پارینه‌سنگی قدیم در دره خرمدره؛ حاشیه شمال غربی مرکز فلات ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- علی بیگی، س.، و خسروی، ش. (۱۳۸۹). *باستان‌شناسی پیش از تاریخ استان زنجان: تاریخچه، چالش‌ها و دشواری‌ها*، مجموعه مقالات همایش هشاد سال باستان‌شناسی ایران، به کوشش یوسف حسن زاده و سیما میری، تهران: موزه ملی ایران (زیر چاپ).

- عسگریان، م. (۱۳۸۰). گزارش گمانه‌زنی در قلعه تپه ابهر، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (منتشر نشده).
- کاظم پور عصمتی، پ. (۱۳۸۸). گزارش فصل چهارم کاوش تپه نور (پیش از تاریخ)، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- فاضلی نشلی، ح. (۱۳۸۵). باستان‌شناسی دشت قزوین از هزاره ششم تا هزاره اول قبل از میلاد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فاضلی نشلی، ح. (۱۳۸۶). تغییرات سیاسی و اجتماعی دشت قزوین: کاوش‌های باستان‌شناسی تپه قبرستان؛ به کوشش حسن فاضلی نشلی. تهران: انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری پژوهشکده باستان‌شناسی.
- فاضلی نشلی، ح. و آجورلو، ب. (۱۳۸۵). «تپه اسماعیل آباد»، در باستان‌شناسی دشت قزوین از هزاره ششم تا هزاره اول قبل از میلاد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مجیدزاده، ی. (۲۵۳۶). «حفریات در تپه قبرستان سگزآباد»، مارلیک ۲، ۷۱-۵۳.
- مجیدزاده، ی. (بی‌تا). نخستین و دومین فصل حفریات باستان‌شناختی در محوطه ازبکی شهرستان ساوجبلاغ، سلسله گزارش‌های باستان‌شناسی ۱، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مجیدزاده، ی. (۱۳۸۲). گزارش سومین فصل حفریات در تپه ازبکی، سلسله گزارش‌های باستان‌شناسی ۴. تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- میرفتاح، ع. ا. (۱۳۷۳). بررسی و شناسایی قلعه تپه ابهر. اثر، ۲۲ و ۲۳، ۱۸۵-۱۶۸.
- میرفتاح، ع. ا. (۱۳۸۱). گزارش مقدماتی فصل چهاردهم کاوش در شهر قدیم سلطانیه، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- معصومی، ا. (۱۳۸۷). شواهدی از استقرارهای اوایل دوره مس و سنگ و عصر آهن در قلعه تپه ابهر، پارسه گرد (نشریه دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)، ۷، ۱۲-۱.
- ولی‌پور، ح. ر. (۱۳۸۵). گزارش مقدماتی فصل نخست کاوش باستان‌شناختی تپه شیزر تاکستان، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- ولی‌پور، ح. ر. (۱۳۸۸). گزارش فصل اول کاوش تپه خالصه خرم‌دره، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

#### (ب) غیر فارسی:

Alibaigi, S., & Khosravi, Sh. (2009). Tepe Khaleseh; a new Neolithic and paleolithic site in the Abhar rud basin in north - western Iran, *Antiquity*, 83, Issue 319, project gallery.

Alibaigi, S., Niknami, K. A., & Khosravi, Sh. (2010) A Preliminary Report on The Investigation of the Lower Paleolithic Site of Khaleseh in the Khorramdarreh Valley; *Zanjan. Iranian Archaeology*, 1, 7-14.

Alibaigi, S.; Niknami, K. A., & Khosravi, Sh., (n,d) Khaleseh: The first evidence from the Lower Paleolithic occupation in Khorramdareh Vally, North – Western borders of Iranian Central Plateau", in *paleolithic of Zagros and Iranian plateau, Recent Research and Re-analysis*, in Biglari F., Mashkour, M., Shidrang, S., & Abdi, K. (eds), Studies in early near Eastern production, subsistence, and environment, Berlin: ex orient (in press).